

تجهیز مالی تروریست‌های داعش و عواید تحولات تروریستی برای اسرائیل

گروه مطالعات امور مالی و مراودات بانکی گروه‌های تروریستی تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۱۵

مترجم: سمانه قربانپور*

۱۱۳

چکیده

در طول مدت تسلط داعش در بخشی از عراق و سوریه، این سازمان تروریستی برای کسب درآمد و داشتن توان مالی از منابع مختلفی برخوردار شد که از جمله آنها می‌توان به فروش نفت به صورت قاچاق اهدای کمک‌های گسترده حامیان، اقدامات غیرقانونی همانند سرقت از بانک‌ها، مصادره اموال گروه‌های مختلف شیعی سنی و مسیحی و مقامات دولتی نام برد. یکی از منابع عمده داعش برای تامین مالی اقدامات تروریستی دستبرد آن به موزه‌های عراق و سوریه بود که با خارج کردن اشیاء تاریخی این کشورها و فروش آن در بازار قاچاق عتیقه کسب درآمد می‌کرد. اگرچه داعش امروز با شکست مواجه شده اما همچنان بخشی از درآمدهای آن از منابع مختلف زمینه را برای عملیات این سازمان تروریستی در کشورهای مختلف هموار می‌سازد.

واژگان کلیدی: داعش، نفت، اسرائیل، اقدامات تروریستی

* دانش‌آموخته روابط بین‌الملل در دانشگاه خوارزمی

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال هجدهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۲۷-۱۱۳.

◆ آمریکاشناسی . اسرائیل‌شناسی

تلاش دولت ایالات متحده آمریکا برای مقابله با دولت اسلامی یا دولت اسلامی عراق و شام (داعش) بر ۵ محور متمرکز شده است. یکی از این اهداف توقف امور مالی و سرمایه‌گذاری داعش است. تحقق این کار ممکن است به دشواری صورت پذیرد، هرکدام از این گروه‌های تروریستی به‌گونه‌ای متفاوت به تامین امور مالی خود می‌پردازند که از کنترل جامعه بین‌المللی خارج است. مبارزه با امور مالی و سرمایه‌گذاری داعش بخشی مهمی از ائتلاف بین‌المللی علیه تنها گروهی است که تا به حال به‌عنوان القاعده بسیار افراطی بوده است. ابزارهای مالی ضد ترور به‌عنوان شیوه‌هایی برای مسدود نمودن سرمایه و بودجه گروه‌های تروریستی و همچنین به‌عنوان منابع ارزشمندی از اطلاعات مالی تأثیرات منحصر به فردی داشتند که می‌توانند در مقابله با گروه‌های تروریستی مورد استفاده قرار گیرند. جای تردیدی باقی نمی‌ماند که در آن مناطق جاییکه تامین مالی داعش و سرمایه‌گذاری‌اش در طول مرزهای بین‌المللی انجام می‌پذیرد یا سیستم مالی بین‌المللی را تحت فشار قرار می‌دهند (مخصوصاً بخش مالی رسمی و بانک‌ها) ابزارهای سنتی که در طول سال‌های ۲۰۱۱ - ۲۰۰۹ توسعه یافته بودند همچنان به پیشرفت خود ادامه خواهند داد تا به‌عنوان شیوه‌های مؤثری برای مقابله با سرمایه‌گذاری داعش به کار روند. این امر شامل مواردی نظیر درآمد داعش از قاچاق غیرقانونی نفت، کمک‌های مالی از حامیان ثروتمند در خلیج فارس و سایر نقاط، آدم‌ربایی برای اخذ پول، تلاش‌هایی برای دستیابی به بازار سیاه آثار باستانی برای فروش مجسمه‌های باستانی و سایر موارد.

اما بعید به نظر می‌رسد که این اقدامات برای از بین بردن کامل داعش کافی باشد. برخلاف القاعده و سایر گروه‌ها، داعش که نام خود را به دولت اسلامی تغییر داده و به‌طور یک‌جانبه‌ای برقراری مجدد خلافت اسلامی را اعلام نموده است، قبل از این که خود را به‌عنوان دولت اسلامی معرفی کند به‌عنوان یک گروه شورشی و تروریستی به مدت تقریباً ۸ سال از لحاظ مالی خودکفا بوده است.

این گروه قبل از اینکه نام خود را به دولت اسلامی تغییر دهد، گروهی که به‌عنوان دولت اسلامی عراق و شام شناخته می‌شود، به‌عنوان دولت اسلامی در عراق، به‌عنوان القاعده در عراق، به‌عنوان مجلس شورای المجاهدین و به‌عنوان جماعت التوحید و الجهاد بوده است؛ و برخلاف سایر گروه‌ها که به دولت‌های حامی، پشتیبانان بزرگ، یا سوءاستفاده از کمک‌ها، وابسته بوده‌اند. القاعده به لحاظ مالی

به دلیل انجام اقدامات غیرقانونی موفقیت‌آمیز در داخل عراق مستقل بوده است.

در حال حاضر، اقدامات غیرقانونی هنوز منبع مالی قابل توجهی برای داعش است، همراه با سایر منابع درآمدی سودمند برای این گروه، مخصوصاً فروش غیرقانونی نفت، اما به‌طورقطع، فعالیت‌های غیرقانونی برای گروهی که نه تنها در پی فعالیت‌های شورشی و تروریستی است بلکه خواستار تصرف، حفظ و مدیریت قلمرو خود می‌باشد که این امر هزینه‌های قابل توجهی و در نتیجه منابع درآمدی گسترده‌تری را می‌طلبد به‌تنهایی کفایت نخواهد کرد.

۱۱۵

از این رو، این یک حقیقت محض است که اقدامات غیرقانونی داعش در عراق خارج از ظرفیت قوانین سنتی و اقدامات تنظیمی دولت عراق است، با این وجود تمرکز بر مناطق آسیب‌پذیر و به‌کارگیری مجموعه‌ای از روش‌ها به‌طور مؤثری خواهند توانست داعش را از دستیابی به پولی که برای حفظ و مدیریت دولت اسلامی به آن نیازمند است محروم کنند.

در ضمن، درحالی‌که ابزارهای نظامی تحت این شرایط آخرین چیزی است که به‌عنوان روش‌های منطقی در مبارزات غیرقانونی به ذهن خطور می‌کند، حقیقت این است که حملات موشکی علیه داعش تا به حال به‌طور قابل توجهی از اقدامات غیرقانونی این گروه را تضعیف نموده است و حملاتی این‌چنینی باید ادامه پیدا کند؛ و این در حالی است که چشم‌انداز اصلاحات واقعی سیاسی در عراق تیره‌وتر است، دولت عراق باید از برخی جهات نقش حکومت و قانون را در خصوص فرقه‌گرایی و فساد دوباره در اولویت قرار دهد، شاید اجرای قانون داخلی عراق بتواند در برخی جهات اقدامات غیرقانونی داعش را به‌عنوان فعالیت‌های غیرقانونی داخلی آنها مورد تحقیق و پیگرد قانونی قرار دهد. سخنرانی ماه پیش معاون اداره اطلاعات مالی و تروریسم دیوید اس. کوهن در این خصوص بود که استراتژی موردنظر خزانه‌داری در خصوص داعش بر تحریم‌های مالی پر قدرتی متمرکز شده است که شامل هرکسی می‌شود که به خرید و فروش نفت دزدیده شده با داعش بپردازد و علاوه بر این از بین بردن شرکای خارجی آنها تا پایان دهند به اخذ پول‌های هنگفتی که از طریق آدم‌ربایی کسب می‌شود، مورد هدف قرار دادن شبکه حامیان خارجی از طریق تحریم‌ها، محدود کردن دسترسی داعش به شبکه‌های مالی بین‌المللی و به‌کارگیری تحریم‌های که رهبری و حامیان داعش را مورد هدف قرار می‌دهد. این یک استراتژی عاقلانه است که این ابزارها هم‌اکنون توسط خزانه‌داری به کار گرفته می‌شود. من مردم را تشویق می‌کنم که به فراتر از این شیوه‌ها و ابزارها توجه کنند، هرچند که خزانه‌داری نیز انواع روش‌ها را در نظر خواهد

گرفت، خزانه‌داری و شرکایش احتیاج دارند که روش‌های خود را برای مقابله با تهدیدات مالی غیرقانونی که در حال تحولند به‌روزرسانی کنند. من معتقدم که هیچ نهادی از این بهتر عمل نخواهد کرد. فعالیت شاخه اطلاعات مالی و تروریسم خزانه‌داری فقط به ارائه اطلاعات مالی القاعده در سال‌های ۲۰۱۱ - ۲۰۰۹ نپرداخته است بلکه به ارائه اطلاعات قابل توجهی در خصوص تروریسم در سرتاسر جهان پرداخت. من انتظار دارم که ما شاهد یک فرایند خلاقانه‌ای به همین ترتیب از همکاری میان خزانه‌داری و شرکای بین‌المللی و داخلی‌اش در خصوص داعش باشیم. در حال حاضر، درآمد مالی داعش در درجه اول و عمدتاً از فروش غیرقانونی نفت، از تعداد کوچکی از حامیان بزرگ ثروتمند و گستره عظیمی از اقدامات غیرقانونی تامین می‌شود.

نفت

در ماه سپتامبر درآمد روزانه داعش تقریباً ۳ میلیون دلار تخمین زده شده بود؛ و کل دارایی‌اش بین ۳.۱ و ۲ میلیارد دلار برآورد شده بود که داعش را پردرآمدترین گروه تروریستی جهان قرار داد. با این معیار، داعش بیشتر درآمدش را از ملت‌های کوچک بسیاری، شامل تونگا، نائورو و جزایر مارشال دریافت می‌کند. این درآمد برای داعش بسیار حیاتی می‌باشد، این منبع درآمدی کمک می‌کند تا داعش بتواند به تهیه و حفظ تجهیزاتش، پرداخت حقوق جنگجویانش، مدیریت و اداره زیربناهای غیرنظامی، گسترش جبهه فشار و دادن رشوه به سران قبایل بپردازد. پیش از تشکیل جبهه‌ای که علیه داعش در آگوست شروع شده بود، این گروه تقریباً ۳۵۰ چاه نفت در عراق و ۶۰٪ درصد از چاه‌های نفتی سوریه را راه‌اندازی کرده بود. در ماه آگوست، تولیدات نفتی از تجهیزات تحت کنترل داعش تقریباً ۸۰۰۰۰ هزار بشکه در هر روز تخمین زده شده بود. داعش اطمینان داشت که تقریباً ۳۰۰۰۰ هزار بشکه در یک روز در عراق و ۵۰۰۰۰ هزار بشکه در سوریه می‌فروشد که تقریباً ۴۰ دلار برای هر بشکه در بازار سیاه است. داعش تقریباً یک‌پنجم کل توانایی میدان‌های نفتی تحت کنترل خود در عراق و سوریه را تولید می‌کند. پیش‌از این منازعات میدان‌های نفتی سوریه فرسوده و فاقد کارایی بودند که فقط ۱۰٪ از کل ظرفیت خود را تولید می‌کردند. داعش ضربه‌ای به نرخ‌های از پیش موجود بازار سیاه که به دهه ۱۹۹۰ برمی‌گشت و شبکه قاچاقی که مربوط بود به دوران نفتی صدام وارد کرد. داعش از این راه‌ها استفاده کرد تا نفت خام را به قاچاقچیان بفروشد، کسانیکه نفت را به خارج از منطقه منازعه انتقال می‌دادند با استفاده

از ابزارهای از قبیل کامیون‌های دارای تانکر، وانت‌ها، گالن‌هایی که به‌وسیله چارپایان حمل می‌شود، لوله‌های موقتی و حتی قایق‌های کوچک هنگامی که از رودخانه‌ها عبور می‌کردند. در یک مورد، حکومت ترکیه خطوط لوله‌ای بیش از ۳ مایل در زیرزمین کشف کرده بودند.

از شهر سوریه عزم‌ارین، تقریباً ۵۰۰ خط لوله نفت غیرقانونی به سمت ترکیه از رودخانه اورونتز کشیده شده بود. سوخت گازوئیلی از تانکرهای در سوریه در مخزن‌های خصوصی به‌وسیله تلمبه‌هایی ساده بیرون کشیده می‌شود. این مخزن‌ها لوله‌هایی را که در عمق زیاد در زیرزمین‌های کشاورزی و در زیر خیابان‌ها دفن شده‌اند تقویت می‌کنند تا به خانه‌های خصوصی در دهکده‌های در سرتاسر پادشاهی هائیتی برسند.

مشتریان به این خانه‌ها رفته و نفت را با قیمتی تخفیفی خریداری می‌کنند. تقریباً ۹۰ - ۸۰٪ درصد از اهالی دهکده‌هاکی پازا به عملیات قاچاق سوخت مشغولند. همراه با تقاضای داخلی، داعش گاهی اوقات نفت خام را به کشورهای همسایه انتقال می‌دهد، آن را به گازوئیلی با کیفیت پایین در پالایشگاه‌های موقتی تصفیه می‌کند و آن را بار دیگر به مراکز شهری برای فروش دوباره برمی‌گرداند. به‌طور مثال ۴ میلیون از اهالی موصل سوختی را خریداری می‌کنند که از میدانی در نزدیکی القیاره خارج شده، در سوریه تصفیه شده و به موصل انتقال داده می‌شود. درحالی‌که داعش این نفت را به مشتریان خارجی در ترکیه، کردستان و اردن می‌فروشد، داعش به تدریج در پی تمرکز در داخل است برای سوخت موردنیاز خودروها و ایجاد وابستگی میان غیرنظامیان و توانایی‌اش برای ارائه و آماده کردن نفت موردنیاز مردم تقریباً نصف قیمت بازار آزاد در هر بشکه. این موضوع هزینه‌های صادرات نفت خام دزدیده شده را در سرتاسر منطقه افزایش خواهد داد. ترکیه اظهار داشت که داعش نزدیک به ۲۰ میلیون لیتر نفت را در مرزهای جنوبی در ۸ ماه نخست ۲۰۱۴ مصادره کرده است. حکومت محلی کرد بیان کرده که شهروندان متعددی را به همراه مقامات سیاسی و امنیتی که در امر قاچاق نفت دزدیده شده همدست با داعش بوده‌اند دستگیر کرده‌اند. حملات هوایی امریکا چندین پالایشگاه نفتی را که به‌وسیله تاجر سوری راه‌اندازی شده بود با ظرفیت تولید ۱۰۰ بشکه در روز مورد هدف قرار داد. یک گزارش از سازمان انرژی اتمی بین‌المللی تخمین زده که تولیدات فعلی کمتر از ۲۰۰۰۰ هزار بشکه در روز است.

یک جزء مهم از استراتژی داعش وابستگی آن به کارگران متخصص است. در موارد متعددی داعش از کارگران ماهر سابق حمایت کرده تا در پست‌های خود باقی بمانند و از میدان‌های نفتی

کمک‌های اهدایی

مراقبت کنند. به‌عنوان مثال، میدان نفتی القیاره وقتی که داعش از کارگران عراقی خواست تا در پست‌های خود باقی بمانند به استخراج خود ادامه داد، به آنها قول داده بود که از آنها در برابر دولت و گروه‌های معارض رقیب حمایت کند. این امر وابستگی متقابل میان نظامیان و غیرنظامیان را افزایش داده است که مسبب مشکلاتی برای استراتژی آمریکا در تخریب این تجهیزات بوده است. تبلیغات داعش با تأثیرات بی‌ثبات کننده‌اش بر اقتصاد مانع از اقدامات آمریکا برای جلب کارگران سابق و متخصص با وعده حمایت‌های بیشتر خواهد شد.

داعش سود کلانی را از کمک‌های اهدایی از سوی حامیان ثروتمند خود کسب می‌کند که یک منبع مالی برای این گروه نزدیک به یک دهه به شمار می‌رود و این امر مربوط به زمانی است که این گروه به‌عنوان القاعده در عراق شناخته می‌شد. اسناد ضبط شده در ماه سپتامبر در خانه‌ای مشکوک در سینجار، در غرب عراق، نمایان ساخت که در سال‌های ۲۰۰۷ - ۲۰۰۶ این گروه به کمک‌های اهدایی وابسته بود که بیشتر آن از رهبران القاعده، جنگجویان خارجی و عراقیان محلی بوده است. با این وجود اهداءکنندگان در حال حاضر فقط یک منبع نسبتاً کوچکی از تامین‌کنندگان مالی این گروه هستند. معاون خزانه‌داری دیوید کوهن اظهار داشت که داعش تا به حال اهداءکنندگان ثروتمندی را به دست آورده و حتی به نظر می‌رسد که وابستگی عمیقی به شبکه حامیان و اهداءکنندگان خارجی پیدا کرده است.

با وجود این، داعش مبلغ هنگفتی نزدیک به ۴۰ میلیون دلار و یا حتی بیشتر از آن در طول ۲ سال از حامیان خود در دولت‌های نفتی ثروتمند نظیر عربستان، قطر و کویت کسب کرده است. در اپریل ۲۰۱۳، در یک بیانیه‌ای که به داعش محدود نشده بود، وزارتخانه‌ای دولتی خاطرنشان ساخت که حامیانی از خلیج‌فارس یک منبع عظیمی از تامین‌کنندگان مالی برای گروه‌های تروریستی سنی به حساب می‌آیند، مخصوصاً در سوریه؛ اما درحالی‌که عربستان سعودی و امارات متحده عربی گام‌های قابل توجهی در راستای مبارزات مالی تروریستی در کشورهای خود برداشته‌اند اما قطر و کویت همچنان درگیر مشکلات قضایی خود هستند. در حال حاضر، حامیان ثروتمند رادیکال در عربستان سعودی هنوز هم تمایل زیادی به انتقال پول برای گروه‌های تروریستی مستقر در سوریه دارند که اغلب این کار را از طریق کویت انجام می‌دهند.

در ماه مارس، دیوید کوهن اظهار کرد که قطر در زمینه‌ی کمک‌های مالی به تروریست‌ها دارای قوانینی بی‌ثبات و سهل‌انگارانه است و نظارتش در این زمینه بسیار سست و آسان است، کوهن خاطرنشان ساخت که پایگاه‌های متعدد قطری جمع‌آوری‌کنندگان کمک برای تروریست‌ها به‌عنوان نماینده محلی شبکه گسترده حامیان تروریستی هستند که در کویت مستقر شده است. آنها تلاش می‌کنند که اطلاعات حساس و حیاتی فاش نشود. کوهن در نهایت نتیجه می‌گیرد که این تهدیدات شرایط متغیر و بی‌ثبات موجود را مخصوصاً در منازعات خطرناک تشدید خواهد کرد.

۱۱۹

قطر یک مسأله مالی ضد تروریستی فریب‌کارانه‌ای را در برخی اوقات ارائه داده است اما در خصوص تامین گروه‌های تروریستی موجود در سوریه و عراق تحت فشارهای مضاعفی است که پیوسته در حال افزایش است، امیر قطر شیخ تمیم بن حمد التحانی خود شخصاً به صدراعظم آلمان، مرکل تضمین داده است که دولت او هرگز چنین اقداماتی را انجام نداده است؛ اما حتی خود او اعتراف کرده است که چنین تشکیلاتی وجود دارند که از خارج از کشور تامین می‌شوند، چنانچه در حال حاضر قطر قانونی را پیشنهاد کرده است مبنی بر ایجاد سازمان جدیدی که مسئولیت تنظیم کمک‌ها را در سرتاسر قلمرو پادشاهی، ارسال پول به خارج از کشور، یا دریافت کمک‌های خارجی عهده‌دار شود.

البته این تنها نخستین گام در این مسیر است و این فقط بخشی از این قانون می‌باشد اگر این قانون جدید به‌راستی پیگیری و اجرا شود.

در سال ۲۰۰۴ قطر قانون کیفری در خصوص حمایت مالی تروریستی مصوب کرد و هم‌چنین یک واحد اطلاعاتی مالی در این خصوص دایر کرد. قانون دیگر در سال ۲۰۰۶ تصویب شد در خصوص نظارت بر کمک‌های اهدایی و هم‌چنین ادارات دیگری را به وزارت خدمات اجتماعی و امور مسکن اضافه کرد. باوجود همه این اقدامات مثبت، وقتی تیمی که از سوی صندوق بین‌المللی پول برای بازرسی و ارزیابی اقدامات ضد پول‌شویی و امور مالی ضد تروریستی به قطر اعزام شد در بررسی‌های انجام شده مشکلات قابل توجه‌ای یافت. صندوق بین‌المللی پول گزارش داد که حمایت و تامین مالی تروریست‌ها یک جرم کیفری و یک اقدام غیرقانونی است اما اقدامات در این خصوص بسیار محدود و جزئی بوده است. دستورات دولتی که در خصوص ایجاد واحد اطلاعات مالی بود با قانون ضد پول‌شویی در تضاد است. به سیستمی نیاز بود که نقل و انتقالات مالی را در طول مرزهای بین‌المللی نظارت کند ولی آنطور که از برآورد صندوق بین‌المللی پول آشکار شد نه محقق

شده بود و نه مؤثر بود؛ و علی‌رغم برخورداری از اختیار مصادره، توقف و توقیف دارایی‌ها و سرمایه‌های که مربوط به پول‌شویی یا تامین مالی تروریستی بود، حتی یک مورد دستور در خصوص مصادره اموال وجود نداشت به این دلیل که حتی یک مورد اتهام پول‌شویی به دادگاه برده نشده بود. برعکس آن صندوق بین‌المللی پول گزارش کرده بود که قطر مکانی امن را برای شخصی که نامش در لیست تروریستی سازمان ملل بود در نظر گرفته است و هیچ عملی بر علیه سرمایه این شخص و یا سایر دارایی‌هایش انجام نداده است.

در یک تماسی که با قطری‌ها در ۲۰۰۹ داشتیم به تمایل وافر آنها در تصویب موادی این‌چنینی بدون هرگونه اجرا و اعمالی پی برده بودم. در یک جلسه با مقامات قطری در دوحه من سؤال کرده بودم که واحد اطلاعات مالی قطری توضیح دهد که موافقت حواله‌های (پول غیررسمی که در تجارت‌های متداول در منطقه منتقل می‌شود) محلی را با قانون جدیدی که حواله‌ها در دولت به ثبت رسیده و دولتی شوند یا تعطیل شوند چطور ارزیابی می‌کند. مقامات دولتی با قیافه‌ای حق‌به‌جانب توضیح دادند که هیچ حواله‌ای وجود ندارد که حتی به‌عنوان قانونی ضروری دولتی شود. در حقیقت، مقامات رسمی گفتگوی مشابهی با کارشناسان رسمی صندوق بین‌المللی پول در این خصوص یک هفته قبل داشتند. شک و تردیدهای زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه حواله‌ای در کشور وجود ندارد، کارشناسان صندوق به هتل‌های خود برگشتند و سؤالی داشتند مبنی بر اینکه کارگران خارجی مهاجر چگونه برای خانواده‌های خود در کشورهای زادگاهشان پول می‌فرستند. جواب این سؤال بسیار شگفت‌انگیز بود: حواله. گروه کارشناسان صندوق بین‌المللی پول با یک لیست بلند از حواله‌های به کار گرفته شده در قطر، بازگشت و لازم بود که دولت یک اطلاعاتی به‌روز در این خصوص به صندوق ارائه دهد و تأکید کرد مبنی بر این که قانون‌های جدید باید به‌طور واقعی اجرا و محقق شوند.

در سال بعد قطر قانون ضد پول‌شویی و ضد کمک مالی تروریستی دیگری را تصویب کرد، بالأخص در این زمان به قضاتی نیاز بود که به توقیف دارایی‌ها و اموال سازمان‌های تروریستی بپردازند که نام آنها در لیست تروریستی سازمان ملل بود. به یک کمیته ضد تروریستی ملی اختیار داده شد که به مشخص ساختن تروریست‌ها به‌طور مستقل از سازمان ملل بپردازد، اما تابه‌حال لیستی تهیه نشده است. درحالی که قطر به مؤسساتی مالی نیاز دارد تا گزارشات مربوط به معاملات مشکوک را ثبت کند، واحد اطلاعات مالی قطر قسمت اعظمی از یک پرونده را به دادگاه عمومی

برای تحقیق و بازجویی در نوامبر ۲۰۱۳ ارجاع داده است. اخیراً قطر دوباره متعهد شده است که نظارتی را بر بخش کمک‌های اهدایی به وجود بیاورد. پیش‌نویس این قانون از سال پیش آماده بود، اما فقط تحت فشارهای بین‌المللی قابل توجهی به تصویب رسید. سال گذشته، وزارت دولتی خاطرنشان کرد که به طور رسمی وزارت کار و امور اجتماعی وظیفه کنترل کردن و مجوز دادن به سازمان‌های خیریه غیردولتی را بر عهده دارد و شرکای خارجی‌اش موظف به اطاعت و گذراندن پروسه تحقیق و بازرسی و مجوز گرفتن هستند. به طور رسمی، در عالم واقع، این اتفاق هرگز رخ نداده است، به این دلیل که به امور مربوط به کمک‌های اهدایی و خیریه در سازمان مالی قطر رسیدگی می‌شود، آنها از هرگونه ثبت و نظارتی معاف هستند.

در آخرین گزارش سالیانه در خصوص تروریسم، وزارت دولتی از لحاظ سیاسی شرح داد که نظارت قطر در خصوص اهداء کمک‌های حامیان محلی به سازمان‌های خارجی متناقض و بی‌ثبات است و به طور آشکاری اجرای قانون کشوری در خصوص پول‌شویی و قوانین مالی ضد تروریستی ناقص و به وسیله شکاف‌های قابل توجه‌ای خدشه‌دار شده است. همان‌طور که یکی از مقامات آمریکایی می‌گوید: نگرش قطری این‌گونه است که وقتی قانونی تصویب شود مشکلات حل می‌شوند. پس در این صورت نباید شگفت‌زده شود که در دسامبر گذشته وزارت خزانه‌داری نام عبدالرحمان النوامی تاجر و دانشمند قطری را به لیست تروریستی اضافه کرده است، در این لیست ذکر شده که او دستور به انتقال نزدیک به ۶۰۰۰۰ دلار به القاعده را از طریق نمایندگی القاعده در سوریه داده است، ابو خالد السوری که خواسته بود نزدیک به ۵۰۰۰۰ دلار را به تروریست‌ها انتقال دهد. النوامی هم‌چنین بیش از ۲ میلیون دلار در هرماه به القاعده در عراق که اکنون دولت اسلامی عراق و شام خوانده می‌شود، به القاعده در شبه‌جزیره عربستان و به الشباب در سومالی ارسال نموده است.

به روزرسانی، اجرا و تحقق این قوانین جزء رویکرد قطر در این موضوعات نیست. در عوض، قطر به طور منظم تأکید دارد به تصویب چنین قوانینی که به ظاهر مستحکم و مقاوم اما در عالم واقع تقریباً هرگز محقق و اجرایی شوند. قطر قوانین مشابه این‌چنینی در گذشته نیز تصویب نموده است، بدون هیچ‌گونه اختیار و قدرتی به وزارتخانه‌ها و ادارات برای اجرای آن. یک روز بعد از اعلام قانون جدید، امیر امارات صدراعظم آلمان را مطلع ساخت «قطر از سازمان‌های تروریستی حمایت نکرده و هرگز حمایت نخواهد کرد.» قرار دادن قوانین خیریه در کتاب‌ها نخستین قدم ضروری در

این زمینه است، هرچند که این مقررات باید قابل اجرا باشند. به بیان دقیق‌تر وقتی این مؤسسات و مقررات متمر ثمر خواهند شد که به‌راستی در کشور محقق و حادث شوند.

تمایل و رغبت به تصویب چنین قوانینی و بررسی و تحقیق در خصوص چنین موضوعاتی بدون اجرا و اعمال مشابه کویت است. در سال ۲۰۱۳، یک قانون کویتی در خصوص تامین مالی تروریستی تصویب شد که مجوز مصادره اموال و تشکیل یک واحد اطلاعاتی مالی را بیان کرده بود. باین‌وجود، وزارت خزانه‌داری شرح داده بود که کویت مرکز تامین و جمع‌آوری کمک برای گروه‌های تروریستی در سوریه است. کویت از لحاظ سیاسی مرتعش و بنابراین بی‌ثبات‌تر از قطر است، هرگونه سرکوب امور مالی تروریست‌ها به‌طور یقین خشم روحانیون و سیاستمداران سلفی را در پی خواهد داشت و هم‌چنین اکثریت سنی دولت را به دلیل فراهم نکردن حمایت نظامی از مخالفین سوری به باد انتقاد گرفتند. برای مثال، امیر کویت محمد حایف المطاری وجوه ارسالی به گروه‌های جهادی را از طریق پیوند مستقیم با داعش افزایش داد.

بر طبق اظهارات کوهن، ایالات‌متحده آمریکا در طول ۱۰ سال گذشته تحریم‌هایی را بر علیه بیش از ۲۴ تن از وابستگان به القاعده در عراق یا داعش اعمال کرد. تصویب قطعنامه ۲۱۷۸ شورای امنیت که تعهدات جامعه بین‌المللی را مبنی بر جلوگیری از ارسال هرگونه نیروی جنگی و سرمایه به داعش و جبهه النصره تضمین کرده است. فقط دو تن از افراد در طول ماه‌های گذشته، طارق الحارزی و عبدالرحمان الانیزی که به‌طور خاصی تعیین شده بودند برای تدارک حمایت‌های مالی برای داعش:

از اواسط سال ۲۰۱۴ الحارزی یک مقام رسمی داعش در سوریه بود. به‌عنوان یک عضو بلندمرتبه داعش، او در زمینه‌ی افزایش سرمایه و همچنین استخدام جنگجویان و فراهم کردن امکانات لازم در حمل‌ونقل جنگجویان برای سازمان‌های تروریستی مشغول به کار بود. بر طبق اطلاعات مستند دولت آمریکا، او همچنین به‌عنوان یکی از نخستین تروریست‌هایی که به داعش پیوسته بود شناخته می‌شد. الحارزی مشغول به جذب پول و افزایش سرمایه و دارایی‌های داعش از شبکه حامیان این گروه در خلیج فارس بود. در سپتامبر ۲۰۱۳، الحارزی تقریباً مبلغی نزدیک به ۲ میلیون دلار از یک شبکه حامی مالی قطری برای گروه داعش جمع‌آوری کرده بود که نیاز داشت الحارزی از این وجوه فقط برای عملیات نظامی بهره گیرد.

از اواخر ۲۰۰۸، الانیزی به همراه یک حامی ارشد داعش و مقامات مالی این گروه مشغول انتقال پول‌ها از کویت به سوریه بود. او هم‌چنین با یکی از حامیان داعش برای پرداخت هزینه‌های سفر

جنگجویان خارجی به سوریه کار کرده بود. این اطلاعات دربرگیرنده این اسامی هم‌چنین ردپای از القاعده سابق را نیز آشکار می‌کند. طارق الحازمی نه‌فقط برای مبلغی نزدیک به ۲ میلیون دلار از یک شبکه حامی مالی قطری برای داعش دریافت کرده بود، او هم‌چنین به‌طور مستقیم با جنگجویان کار می‌کرد. بر طبق اسامی خزانه‌داری، در اواخر سال ۲۰۱۳، الحارزی یک شخصیت مهم داعش در بمب‌های انتحاری و هم‌چنین یک شخصیت کلیدی در شبکه تسهیلات داعش بود که نقشی مرکزی در عملیات انتحاری و خودروهای بمب‌گذاری شده در حملات عراق ایفا می‌کرد. الحازمی به همراه سایر اعضای داعش مشغول فراهم کردن و آسان نمودن مسافرت افراد از سوریه به عراق بودند. در اواسط سال ۲۰۰۰، القاعده به‌طور مشابهی به تقریباً ۹۵ تن از چینی مدیرانی در سوریه به‌منظور تنظیم مسافرت جنگجویان خارجی به عراق وابسته بود. مدیران به‌طور کاملاً تخصصی شده با جنگجویان احتمالی و کسانی که بمب‌های انتحاری به خود می‌بستند از مکان‌های خاص کار می‌کردند. برای مثال، یک مدیر سوری عمدتاً و در درجه اول با مشتریان سعودی کار می‌کرد.

اقدامات غیرقانونی

برخلاف القاعده، داعش تقریباً به مدت ۸ سال با انجام اقدامات غیرقانونی موفقیت‌آمیز در خاک عراق از نظر مالی خودکفا بوده است. بر طبق برآورد دولت آمریکا در نوامبر سال ۲۰۰۶ که در نیویورک تایمز انتشار یافته بود، القاعده و سایر گروه‌ها خود را در عراق بیمه کرده و درآمد خود را از ۷۰ میلیون به ۲۰۰ میلیون دلار فقط از طریق انجام فعالیت‌های غیرقانونی افزایش داده بود. اسنادی که از طریق پایگاه اطلاعاتی وزارت دفاع انتشار یافت آشکار ساخت که اهداء‌کنندگان و حامیان خارجی فقط یک بخش کوچکی که بیشتر از ۵٪ درصد نمی‌باشند هزینه‌های عملیاتی گروه را از ۲۰۱۰ - ۲۰۰۵ تقبل کرده بودند در زمانیکه البغدادی ریاست گروه را بعد از مرگ دو تن از رهبران برعهده گرفته بود. در حقیقت انعطاف‌پذیری مالی القاعده بسیار قوی بود که باوجود کشمکش‌های قابل توجه میان جانشین رهبری، ایمان الزواهری و رهبر القاعده ابومصعب الزرقاوی، الزواهری در زمانیکه تلاش‌های بین‌المللی شبکه‌های مالی القاعده را هدف قرار داده بودند و مشکلات مالی زیادی را در خزانه القاعده ایجاد نمودند خود را در وضعیت نامناسبی یافت به‌طوری‌که مجبور شد از زرقاوی درخواست پول کند. در نامه‌ای در جولای ۲۰۰۵ به زرقاوی، الزواهری متواضعانه از رهبر القاعده درخواست کمک کرده بود که اگر قادر است مبلغی تقریباً

به اندازه یک صد هزار به او بپردازد چراکه بیشتر شبکه‌های مالی خود را از دست داده بود. الزوهری غرور خود را نادیده گرفت و از رهبر گروه الزرقاوی درخواست کمک کرد.

در حال حاضر، القاعده مجموعه گسترده‌ای از اقدامات غیرقانونی را در ابعاد کوچک و گسترده انجام می‌دهد. اقداماتی از قبیل سرقت حیوانات اهلی، فروش پاسپورت‌های جنگجویان خارجی، مالیات گرفتن از اقلیت‌ها و کشاورزان و رانندگان کامیون‌ها، باج‌گیری و اخاذی از طریق ارباب و زور، آدم‌ربایی به منظور اخذ پول و موارد زیاد دیگر.

داعش از بانک‌ها نیز سرقت کرده است که ظاهراً شامل بانک مرکزی موصل نیز می‌شود؛ اما ظاهراً داعش چندین میلیون دلار در یک ماه فقط از مالیات در موصل کسب کرده است. بیشتر این مالیات‌ها از کمپانی‌ها و افراد کسب می‌شود. تاوفیک، یک مرکز فروش کامپیوتر در موصل است «که گفته است، تروریست‌ها به ما گفته‌اند که هر کسی که در خیابان هست و کسیکه کار می‌کند باید به ما پول بپردازد و شما نیز همین‌طور.» تروریست‌ها سه تن از مردم را کشتند فقط به این خاطر که پولی پرداخته نکرده و در پرداخت آن تأخیر داشتند. تاوفیک به اربیل گریخت بعد از تماس فردی ناشناس که از آنها خواسته بود مبلغی به مقدار ۱۱۴۰۰۰ هزار دلار به گروه‌های جهادی بپردازند. مبلغی غیرمنطقی برای یک فروشنده کامپیوتری که فقط ۱۰۰۰ دلار در هر ماه درآمد داشت. داروسازان کسانیکه ۲۰۰ - ۱۰۰ دلار در ماه به داعش پرداخت می‌کردند، مجبور شده بودند به پرداخت بیش از ۲۰۰۰۰ هزار دلار در هر ماه.

داعش علاوه بر این دارایی تحت کنترل بیت‌المال یا سیستم خزانه‌داری را نیز مصادره کرده است. بیشتر این دارایی‌های مصادره شده متعلق به مسیحیان، شیعیان و مقامات دولتی سابق بوده است، کسانیکه گریخته یا به وسیله داعش کشته شده بودند. اموال غیرمنقول توقیف شده هم‌اکنون به حراج گذاشته شده است، پیش از اتمام ماه جون داعش به صورت بسیار گسترده در اموال غیرمنقول موصل ریشه دوانیده بود و در اداره ثبت اموال و دارایی‌های غیرمنقول دولت محلی نفوذ کرده است.

در اپریل، سرانجام داعش اجازه داده بود که مشتریان پول‌های خود را از حساب‌هایشان در موصل بیرون بکشند، اما با بیرون کشیدن پول‌ها صاحب حساب مجبور بود که یک صورت‌حساب به یک کمیته سه نفره که آنها نیز از اعضای داعش بودند تقدیم کند. کمیته هر ارتباطی میان حساب و سازمان‌های دولتی، مسیحیان، یزدانیان، یا شیعیان که دشمن به حساب می‌آمدند را بررسی می‌کرد.

حتی بعد از اینکه شرایط رضایت‌بخش بود صاحبان حساب فقط اجازه داشتند ۱۰٪ درصد از تراز پول خود را از حسابشان بیرون بکشند. الجابوری، یکی از اهالی موصل می‌گوید مردم نمی‌خواهند افشا سازند که چقدر برای تامین مالی و هزینه‌های جنگی داعش می‌پردازند. اغلب گرفتن مالیات بیش از ۱۰٪ درصد است. یک معلم مسیحی که در موصل بود حتی اجازه نداشت پول خود را خارج کند و اموال او توسط بیت‌المال مصادره شد. در مواردی مشابه، مسیحیان و سایر غیرمسلمانان مجبور بودند مبلغی به میزان ۷۲۰ دلار برای هر بزرگ‌سال پرداخت کنند.

۱۲۵

داعش همچنین بر کالاها و همه خودروها و کامیون‌های که این کالاها را حمل و نقل می‌کردند مالیات وضع کرد که نفت را نیز شامل می‌شد. در مراکز جمعیتی نظیر موصل، یک کامیون بزرگ به‌طور مثال ۴۰۰ دلار پرداخت می‌کرد، در حالی که کامیون‌های کوچک موظف به پرداخت ۱۰۰ دلار و ماشین‌ها ۵۰ دلار بودند. یک بخشی از تلاش گسترده‌تر داعش برای افزایش وابستگی دوجانبه میان داعش و غیرنظامیان (شهروندان) مصادره بیش از ۴۰٪ درصد از تولیدات گندم عراقی‌ها که شامل ۱۶ سیلو می‌شده است. کشاورزان مجبور به پرداخت مالیات بودند، چه به‌صورت نقد و چه به‌صورت گندم که بیش از میزانی بود که آنها محصولات خود را می‌فروختند. برای مثال یک کیلو گندم مورد نیاز به میزان ۱۱۰۰۰ - ۱۰۰۰۰ هزار دینار فروخته می‌شد، اما اکنون ۵۰۰۰ - ۴۰۰۰ هزار می‌باشد که عمدتاً به این دلیل است که سرقت شده و در بازار سیاه عرضه می‌شده است.

بیش از یک‌سوم از ۱۲۰۰۰ هزار موزه باستانی تحت کنترل داعش است. حفاری و فروش مجسمه‌ها که تاریخ آنها به ۹۰۰۰ هزار سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد دومین منبع گسترده درآمد داعش بعد از فروش غیرقانونی نفت است.

بسیاری از این آثار باستانی به اروپا از طریق سوریه و ترکیه قاچاق می‌شوند. در حالی که تقریباً غیرممکن است که کل سود داعش از فروش این مجسمه‌ها را بتوان تخمین زد، یک مجسمه شیر در منطقه بیش از ۵۰ میلیون دلار در نیویورک در سال ۲۰۰۷ فروخته شد. بیشتر جواهرات تاریخی که به‌وسیله داعش ضبط شده است در خصوص آنها صحبتی به میان نیامده است، اما می‌تواند یک چنین مبالغ هنگفت مشابهی را نصیب آنها کند.

در آخر، مبالغی که از آدم‌ربایی اخذ می‌شود ممکن است تقریباً ۲۰٪ درصد از درآمد داعش را تشکیل دهد. دیوید کوهن تخمین زده است که داعش مبلغی به میزان ۲۰ میلیون دلار در سال جاری به‌تنهایی از گروگان‌گیری دریافت کرده است. نیروهای کرد تخمین زده بودند که این گروه مبلغی

نزدیک به ۱۰ میلیون دلار در یک ماه از آذربایبی دریافت کرده بودند. فرانسه ۱۸ میلیون دلار برای ۴ نفر از روزنامه‌نگاران اسیر شده توسط داعش در ماه آوریل پرداخت کرده بود. به لحاظ داخلی داعش یک صنعت پررونق فحشا - قاچاق را هدایت می‌کند. تخمین زده شده است که تعداد زنان یزدانی و دختران دزدیده شده توسط داعش از ۴۰۰۰ - ۲۵۰۰ نفر بوده است. زنان به قیمت پایین فروخته می‌شوند که اغلب کمتر از ۱۰ دلار است که برای جذب افراد بیشتری به داعش به کار گرفته می‌شود.

توصیه‌ها و رهنمودهای سیاسی

هیچ گلوله‌ای نمی‌تواند امور مالی داعش را متلاشی کرده و از بین ببرد. خزانه‌داری باید به اقدامات خود مبنی بر اینکه چه اعمالی برای خنثی ساختن داعش بهتر خواهد بود ادامه دهد: که شامل برآورد شرایط و توسعه ابزارها و فنون جدید برای مواجهه‌شدن با تهدیدات مالی غیرقانونی در حال رشد خواهد بود.

علاوه بر این، شواهد دال بر این است که رویکرد فشار همه‌جانبه خزانه‌داری برعلیه داعش در خارج از مرزهای عراق نیز جریان دارد. از جمله: بررسی موردی در دادگاه آلمان بود، کسبیکه تلاش می‌کرد مبالغی را به خاورمیانه ارسال کند و به آلمان برای خرید تجهیزات برای جنگجویان داعش فرستاده شده بود، این شخص اسماعیل ایشا بود که در دادگاهی در اشتوتگارت محاکمه شد. صورت‌جلسات و گزارش‌های رسانه‌های محلی «تصاویری از جهادیونی را به نمایش گذاشته بودند که با اجبار یکی از اعضای خود را به آلمان برای تدارک تجهیزات می‌فرستادند به این دلیل که برای آنها بسیار مشکل بود که پول‌ها را از کشور بدون برجای گذاشتن ردی از خود خارج سازند» اما این‌همه ماجرا نیست: تروریست‌ها از سیستم‌های انتقال خدمات اتحادیه غرب برای ارسال پول به سراسر جهان استفاده می‌کردند.

آنها از معاملات که تحت کنترل شدید بود وحشت داشتند و می‌ترسیدند که پول‌های خود را خارج سازند. برای نبرد با امور مالی داعش وزارت خزانه‌داری و شرکای بین‌المللی و داخلی‌اش باید موارد زیر را مورد ملاحظه قرار دهند:

۱- ادامه حملات هوایی به کانون‌های مالی داعش، شامل پالایشگاه‌های نفتی بزرگ و کوچک، همین‌طور مسیرهای قاچاق کشف شده که از آنها برای انتقال نفت و سایر محموله‌های قاچاق استفاده می‌شود.

۲- قدرت و نفوذ مالی و سایر اطلاعات برای هدف قرار دادن دلالتان و واسطه‌های غیرقانونی که نفت داعش را به بازار منتقل می‌کنند، همین‌طور کسانی که انتقال می‌دهند، پالایش می‌کنند و یا سایر تجهیزات مربوط به این پروسه. این چیزی بود که خزانه‌داری راجع به آن صحبت کرده بود و هم‌چنین اقداماتی باید در دست اجرا قرار گیرند.

۳- همراه با سایر دولت‌ها و اعضای بین‌المللی به کشورهای نظیر کویت و قطر کمک کنند تا بتوانند توانایی‌های ضد مالی تروریستی خود را تقویت کنند و بتوانند آنها را در راه اجرای قوانینی که در خصوص ضد تامین و حمایت مالی تروریستی و ضد پول‌شویی تصویب نموده‌اند ثابت‌قدم نگه دارند. تغییرات نباید دور از دسترس باشد، استفاده از ابزارهای مختلفی که سبب می‌شود این اقدامات قضایی از رفتارهای غیرقانونی و اقداماتی که سیستم‌های مالی قانونی را ضعیف می‌کنند جلوگیری کند.

۴- دور ساختن داعش از سیستم‌های مالی بین‌المللی که شامل مسدود کردن بانک‌هایی است که در مناطقی از عراق قرار دارند که تحت کنترل داعش از سیستم مالی بین‌المللی است.
۵- تداوم فشار برای تشکیل یک اجماع بین‌المللی بر علیه پرداخت پول‌هایی که برای آدم‌ربایی به گروه‌های تروریستی داده می‌شوند.

۶- یک‌بخشی از هر اجماعی، باید در اولویت قرار دادن فشار به داعش برای عقب‌نشینی از مناطقی باشد که تحت کنترل او است تا بتوان این گروه را از توانایی‌هایش برای سود بردن از مالیات‌گیری، زورگیری و غارت مجسمه‌ها و منابع طبیعی و سایر اقدامات غیرقانونی در آن مناطق محروم کرد.

۷- علاوه بر همه این‌ها، فشار بر دولت عراق برای انجام اصلاحات واقعی سیاسی و ایجاد یک قانون قابل‌اعتماد و معتبر و قابل‌اجرا در همه مناطق و تحقیق و بازجویی و تحت پیگرد قانونی قرار دادن اقدامات غیرقانونی در خصوص تامین مالی داعش و سایر بازیگران غیرقانونی.

۸- توسعه تلاش‌هایی برای مقابله با حمایت مالی داعش فراتر از عراق و همین‌طور در سوریه. منابع مقاله در دفتر فصلنامه موجود است.

